

زمانی می‌شود
که نمیتوان روی
مفهوم وطن،
خانواده، هم
زبان و هم آیین
قیمت گذاشت!



صفحه ۴

اندر باب پدیده
ای به نام تقلب



صفحه ۳

صفحه ۶



مختصات مردم در حکومت مشروع

نگاهی به نقش مردم در حکومت اسلامی

همین صفحه



بخواه، بین و به دیگران هم نشان بده!

صفحه ۳



دخترک کبریت فروش

شناسنامه ما

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد
شماره مجوز: ۹۳۳۰۳۵

مدیر مسئول و سردبیر: سید حسین اشرفی

دبیر تحریریه: احمد قربانی پور

طراح و صفحه آرا: احمد قربانی پور

اعضای تحریریه: مهیار مهران - مصطفی منصوری
راد - امین جوادی - ابولفضل عباسی - مجتبی غلامی
- محمدجواد ساکت - امیرحسین طاهری مقدم -
احمد قربانی پور - امیرمحمد سعیدی

پل های ارتباطی ما:

پیامک: ۰۹۳۹۲۹۱۸۷۴۴

رایانامه: aiene@chmail.ir

منتظر نظرات، پیشنهادات و مطالب شما هستیم.

نشریه آئینه، پس از انتشار ۵۹ امین شماره و در آستانه تولد ۷ سالگی خود، از تمامی دانشجویانی که تمایل به همکاری با این نشریه را در حوزه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، تاریخی، طنز، شعر، خبرنگاری و طراحی دارند جهت همکاری دعوت به عمل می آورد.

علاقه مندان می توانند نام، نام خانوادگی، نام رشته و دانشکده و زمینه همکاری خود را به شماره ما پیامک نمایند و یا از طریق رایانامه ما با ما در ارتباط باشند.

بخواه، بین و به دیگران هم نشان بده!

شبیخون فرهنگی امروز، روز به روز دارند جبهه انقلاب را بی پناه تر می کنند. البته باید تأکید کنیم این حرفی که داریم راجع به غلط بودن «تهدیدمحوری» در کار فرهنگی می زنیم به هیچ وجه به معنای بی اعتنائی به تهدیدها و توطئه ها و کیدهای دشمن نیست امیرالمؤمنین در خطبه ۳۴ نهج البلاغه، می فرماید: «تکادون و لا تکیدون لا ینام عنکم و اتم فی غفله ساهون»؛ یعنی آنها برنامه ریزی می کنند و شما برنامه ریزی نمی کنید، آنها کید می ورزند و چشمشان برای حمله به شما خواب ندارد ولی این طرف در مقابل کید آنها هوشیاری لازم به خرج داده نمی شود و طراحی های لازم انجام نمی شود. در نهایت می فرمایند: «غلب و... الْمُتَخَذِلُونَ» امیرالمؤمنین خطاب به مؤمنان قسم جلاله می خورد؛ خطاب به حزب ا...ی ها: غلب و... الْمُتَخَذِلُونَ. متخادلون چه کسانی هستند؟ کسانی که همدیگر را یاری نمی کنند، با همدیگر هم افزایشی نمی کنند، به یاری هم نمی شتابند، انگشت هایی که با هم مشت نمی شوند، حلقه هایی که به هم نمی رسند. جامعه ای که رهبرش امیرالمؤمنین باشد اگر دچار تخاذل بشود، با قسم جلاله معصوم، سرنوشت حتمی آن شکست و مغلوب شدن است.

«راهبرد فرصت محوری» که راهبرد اصلی جشنواره مردمی فیلم عمار است، با آسیب شناسی راهبردهای غلط گذشته، با نگاه کاملاً واقع بینانه و واقع نگرانه به ظرفیت ها و قابلیت ها و امکانات و فرصت های در دسترس، شکل گرفته و در همین مدت نسبتاً کوتاهی که پیش آمده برتری و کارآمدی خودش را به نسبت استراتژی های قبلی به نمایش گذاشته است. حرکت هایی از جنس جشنواره مردمی فیلم عمار چه کار می کنند؟ در کنار آن حرکت های سلبی و نکن و نخواه و نبین، ادامه در صفحه ۳

در طی سه دهه گذشته از انقلاب اسلامی، بحث کار فرهنگی و فعالیت فرهنگی همواره یک مسأله جدی بچه حزب ا...ی ها بوده و دغدغه و انرژی و نگرانی و وقت زیادی صرف آن شده اما اجمالاً هیچکس از وضع موجود راضی نیست و علی رغم همه فعالیت های انجام شده، علی رغم همه بودجه های خرج شده که مقدار آن هم به هیچ وجه کم نیست و خیلی کلان است و علی رغم همه شبکه سازی ها و سازماندهی های مختلفی که صورت گرفته، همچنان از بحث فرهنگ و کار فرهنگی، جنگ نرم، تهاجم فرهنگی و از این دست کلیدواژه ها معمولاً یا یک نوع نگرانی یاد می شود. در سالهای اخیر خصوصاً در حوزه فرهنگ عمومی با چالشهای جدی و بعضاً با بحرانهای در حال هجوم مواجه هستیم. اگر مجموعه فعالیت هایی که صدها هزار بلکه میلیونها فعال فرهنگی جمهوری اسلامی در طول بیست و چند سال گذشته انجام داده اند، ذیل راهبردهای دقیقتری اعمال می شد مطمئناً وضعیت فرهنگی ما امروز نه فقط در داخل جامعه ایران بلکه در فضاهای منطقه ای و بین المللی و حتی می شود گفت در فضای جهانی، خیلی بهتر از این بود.

اهمیت جریان جشنواره مردمی فیلم عمار از آنجا مضاعف می شود که نقطه آغاز یا یکی از نقاط آغاز برای تغییر و تصحیح استراتژی فرهنگی جمهوری اسلامی است. متأسفانه امروز جریان «استراتژی تهدیدمحور» به یکی از چالشهای اصلی فرهنگ در جمهوری اسلامی تبدیل شده است؛ یعنی استراتژیست ها و فعالانی که ذیل این استراتژی کار می کنند، با این که مدعی هستند می خواهند انقلاب را محافظت کنند ولی آن قدری که به نظر می آید، ناخواسته و نادانسته دارند به دست خودشان روز به روز جبهه فرهنگی انقلاب را تضعیف و بی بنیه می کنند و در مقابل امواج عظیم

به عنوان اولین سوال اینکه یک بیوگرافی از زندگیتون رو برای ما بگید؟

به نام خدا بنده مهدی پناهی متولد شهریور ۱۳۵۸ در طبرس هستم و تحصیلاتم تا پایان مقطع متوسطه رو در طبرس بودم . دبستان فردوسی، راهنمایی شهید رجایی و دبیرستان نواب صفوی در رشته ریاض ی تحصیل کردم و در سال ۷۶ از طریق کنکور سراسری که دو مرحله ای بود در منطقه ۳ رتبه ۶۶ را به دست آوردم و وارد رشته مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی شریف شدم. در سال ۱۳۸۰ کارشناسی را با رتبه ممتاز به پایان رساندم و در همان سال با کسب رتبه ۳۹ کارشناسی ارشد، تحصیلاتم را در گرایش کنترل فرآیند مهندسی شیمی دانشگاه شریف ادامه دادم. پس از اتمام کارشناسی ارشد به خدمت سربازی رفتم و به مدت ۴ سال در ایران کار کردم. تا اینکه در سال ۱۳۸۶ با اخذ بورس تحصیلی از دانشگاه NTNU نروژ برای ادامه

تحصیل در مقطع دکترا به نروژ رفتم. در سال ۱۳۹۰ از پایان‌نامه دکترایم دفاع کردم و بعد از آن در شرکت AkerSolutions نروژ که شرکت مهندسین مشاور صنایع نفت و گاز در نروژ هست شروع به کار نمودم. از شهریور ماه سال جاری هم به ایران برگشتم و در حال حاضر عضو هیات علمی گروه مهندسی شیمی دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشم.

چرا تصمیم گرفتید رشته مهندسی شیمی را انتخاب کنید؟

داستان جالبی داره که به طبرس و با برگشتنم به ایران هم مرتبطه. در ابتدا باید این موضوع رو بگم که توسعه امروزی طبرس مدیون انسانی است که خیلی برای این منطقه زحمت کشیده و نسل های بعدی هم به ایشون مدیون خواهند بود. مهندس شکیبی مهندسی عمران از دانشگاه اوکلاهامای آمریکا داشتند و در بجوچه انقلاب به ایران آمدند و به خاطر خدماتی که انجام دادند در بین همه طبرسی ها به فردی زحمت کش و وطن دوست مشهور هستند و باتوجه به تخصصشان و اینکه به عنوان مدیر عامل و رئیس هیات مدیره آب منطقه ای خراسان و بعدا در وزارت نیرو مشغول به کار بودند، همیشه دغدغه شان مسئله آب شهرستان طبرس که زادگاه شان است و در منطقه ای کویری قرار داره، بود. اولین قدمی که برداشتند احداث یک سد بود و بعد ها هم دو سد دیگر هم احداث شد. ایشان الگویی برای ما بودند به عنوان کسی که از اینجا رشد کرده و زحمت کشیده و حالا دارد برای مردمش کار می‌کند.

همانطور که می‌دانید بزرگترین معادن زغال سنگ کشور در شهرستان طبرس وجود دارد. من تا زمانی که دیپلم گرفتم همیشه به این فکر بودم که چه طوری می‌توانم به طبرس کمک کنم، تا اینکه فهمیدم رشته‌ای به نام مهندسی شیمی وجود دارد برای فرآوری

مواد معدنی و صنایع نفت و گاز. البته تا آن موقع هم کسی از شهرستان طبرس فکر می‌کنم به این رشته نرفته بود و من به نوعی سنت‌شکنی کردم و تصمیم

زمانی می‌شود که نمیتوان روی مفهوم وطن، خانواده، هم زبان و هم آیین قیمت گذاشت!

گفت و گویی صمیمی با دکتر مهدی پناهی، عضو هیئت علمی گروه مهندسی شیمی دانشگاه فردوسی مشهد



شده بود و می‌تونستم در دانشگاه شریف ادامه تحصیل بدم. با مهندس شکیبی مشورت کردم و ایشون به من گفتند کجا می‌خواهی بروی همینجا بمون تا با هم برای طبرس کار کنیم، با همین نیت بود که ارشد را در ایران خواندم و مطالعات پروژه انستیتو زغال ایران را با کمک مهندس شکیبی جلو بردیم که در انتها به احداث کارخانه ۴۵۰ هزارتنی کک‌سازی طبرس که الان بیش از ۸۰٪ پیشرفت فیزیکی داره ختم شد. مهندس شکیبی بعد از مجلس ششم کار دولتی رو کنار گذاشتند و تصمیم گرفتند که فعالیتشان را همچنان در منطقه طبرس ادامه بدهند و ما هم در این راه به عنوان بازوان تخصصی و فنی به ایشان کمک می‌کردیم وهدفمان این بود که زغال خام از طبرس خارج نشود و در همانجا کارخانه کک سازی احداث بشود که هم اشتغالزایی در این منطقه محروم ایجاد کنیم و هم علم و صنعت و فناوری را به طبرس بیاوریم.

این کار شما از لحاظ اقتصادی هم به صرفه بود؟
بله این کار علاوه بر توجیه بالای اقتصادی می‌توانست به

طور مستقیم برای ۴۵۰ نفر شغل ایجاد کند و این شد که ما به این سمت رفتیم و من هم مسئولیت انجام مطالعات فنی و اقتصادی پروژه رو بر عهده گرفتم. در زمان انجام مطالعات ایجاد انستیتو زغال در طبرس بود که آخرین سال ارشدم را هم میخواندم. این کارها ادامه داشت تا اینکه من به خدمت سربازی رفتم و به عنوان نیروی امریه وارد سازمان انرژی اتمی شدم. بعد از اتمام خدمت سربازی مسئولین آنجا خیلی اصرار داشتند که کارم را در سازمان ادامه بدم ولی چون پروژه کک‌سازی به اتمام نرسیده بود تصمیم گرفتم بیایم بیرون و ادامه این پروژه را انجام بدم. به دلیل تخصصی بودن پروژه و همچنین میزان سرمایه‌گذاری آن، طرح باید برای گشایش ارزی به کمیسیون های تخصصی وزارت صنایع میرفت، که در انتها تأیید وزارت صنایع و بانک مرکزی را گرفتیم.

ولی درهمین مقطع بود که احساس می‌کردم پروژه خیلی دارد کند پیش می‌رود و یک سری از مسائل هم (خصوصا مهندسی شیمی وجود دارد برای فرآوری مواد معدنی و صنایع نفت و گاز. البته تا آن موقع هم کسی از شهرستان طبرس فکر می‌کنم به این رشته نرفته بود و من به نوعی سنت‌شکنی کردم و تصمیم گرفتم با وجود اینکه اکثر رشته‌ها را میاوردم این رشته را در دانشگاه شریف انتخاب کنم.

کنم.

خوب در این برهه زمانی تصمیم شما برای ادامه زندگیتان چه بود؟
بله، من می‌خواستم در مقطع دکتری ادامه تحصیل

بدهم و ترجیح می‌دادم خارج از ایران باشم که محیط

و فرهنگ غرب را هم تجربه کرده باشم.

اما برای اینکه توضیح بدهم که چه طور شد به نروژ رفتم لازمه یه فلش بک به عقب بزیم؛ تز کارشناسی ارشد من «شبه سازی دینامیکی راکتور فیشر تروپش» بود که این ایده را از زمان حضور هشت ماهه خودم در پژوهشکده گاز پژوهشگاه صنعت نفت و قبل ازاینکه وارد پروژه طبرس بشوم گرفته بودم و این طوری بود که با فرآیند Gas to Liquids (GTL) آشنا شدم و این موضوع را با دکتر شاهرخی (استاد راهنمایم) که میتوانیم ایشان را پدر علم مهندسی کنترل فرآیند ایران معرفی کنیم در میان گذاشتم و ایشان هم خیلی استقبال کردند و من پروژه ارشدم را با همین موضوع انجام دادم.

در همان مقطعی که پروژه کک‌سازی طبرس طولانی شده بود و می‌خواستم ادامه تحصیل بدهم، تعدادی از دوستان قدیمی من در پژوهشگاه صنعت نفت که به نروژ رفته بودند به من گفتند که اینجا دکتر سیگورد اسکوگستاد (Sigurd Skogestad) هست که روی مباحث کنترل‌ی و پروژه های«Plantwide Control» کار میکند و تو هم اگر می‌خواهی می‌توانی بیایی اینجا ادامه تحصیل بدی. من هم اتفاقا در همان مقطع دیدم ایشان پروژه‌ای رو در مورد Plantwide Control فرآیند GTL تعریف کرده بود. به ایشون ایمیل زدم و رزومه خودم را برایشان ارسال کردم، چند ساعت بعد ایمیل زد و جواب داد که سوابق خیلی خوبی داری و بعد از آن

به بهانه ی اردوی راهیان نور…

اردوی راهیان نور تاثیر معنوی ویژه ای بر راهیان سرزمین نور دارد. این مسئله را هر که رفته باشد بدون شک تأیید می کند و هر که هم که نرفته باشد نمی تواند تا تجربه نکرده رد کند. می خواهیم راجع به تاثیر راهیان نور و علت و کیفیت آن صحبت کنیم. شاید بتوان ازهمین واژه ی کربلای ایران شروع کرد. یعنی می توان رمز تاثیر این مناطق عملیاتی را شباهت آن به کربلا دانست. اگر داستان ها و خاطراتی که از شهدای دفاع مقدس بیان می شود یا نوشته می شود را شنیده باشید یا خوانده باشید ، اکثر شما این موضوع را قبول می کنید. اما راز کربلا و وجه تشابه آن با جبهه ها چه بود؟ وقتی امام حسین(ع) در لحظات نزدیک شهادتشان، تسلیم خود در برابر امر خدای متعال را بیان می کنند و این که در حدیثی دیگر می فرمایند که حاضرند برای این که دین جدشان زنده بماند، خود را در برابر شمشیرها قرار دهند، متوجه می شویم که دغدغه و مسئله ی بزرگ ایشان، خدا و خدا باوری و دین و دین باوری است. اگر همین موضوع را در دوران دفاع مقدس جست و جو کنیم، به وضوح و به فراوانی می بینیم که دغدغه و مسئله ی اساسی شهدای عزیز ما هم حفظ اسلام و اعتلای آن و ترویج فرهنگ اسلامی بود. خیلی کم و بسیار نادر بودند کسانی که برای وطن پرستی به جنگ بروند. به عنوان یک مثال وقتی امام خمینی (ره) اعلام می کنند که حفظ جایز (جزایر مجنون) حفظ اسلام است، رزمندگان با این که مشکلات زیادی ازجمله گرسنگی، خستگی و جراحت ناشی از عملیاتی که به تازگی تمام شده بود و… داشتند، با انگیزه ای مضاعف به خط می زنند و پیروزی دیگری را رقم می زنند. حس خداباوری به شهیدان، الهام پیروزی همیشگی را می داد، چه با کشته شدن و چه با پیروز شدن. اساسا همین حس

هم نروژ بمونیم در برگشت اون موقع به ایران، تطبیق تحصیلی‌اش با مدارس و سیستم آموزشی ایران بسیار مشکل می‌شد و باید همیشه آنجا می‌ماندیم و چون خانواده‌ای هم نبودیم که بخواهیم دراز مدت اونجا بمونیم به این نتیجه رسیدیم که الان بهترین موقع است برای برگشتن به ایران.

قلبتون هنوز توی طبرس مونده بود دیگر؟ درست است؟

واقعیتش تو مدتی که نروژ بودم با مهندس شکیبی درباره پیشرفت پروژه در تماس بودم ولی درگیر پروژه نبودم و باید بگم یکی از مشوق‌های اصلی من برای برگشتن به ایران مهندس شکیبی بودند چون موقع رفتنم از ایران هم علاوه بر اینکه به پدر و مادرم قول دادم به ایشون هم قول دادم که بر می‌گردم. البته ایشون اون موقع گفتند مطمئنم برمی‌گردی ولی قطعلا اونجا تجربه خوبی به دست می آوری ولی متاسفانه باید بگم دو هفته قبل از برگشتنم به ایران ایشون در حادثه سقوط هواپیمای طبرس فوت کردن …

و به عنوان سخن پایانی…؟

زمانی می‌شود که روی مفهوم وطن، پدر، مادر، خواهر، برادر، هم زبان و هم آیین نمیتوان قیمت گذاشت!

و آنجاست که فلسفه زندگی حکم می‌کند که باید وطن و کشور خودمان را آباد کنیم.

چه عهدی باشیدان بندیدم؟

خداباوری و اسلام خواهی است که به انسان انگیزه ی بیشتر برای تلاش بیشتر می دهد. بنابراین نتیجه می گیریم که دربیشتر موارد، علت بی انگیزگی و شکست نیز، همین فراومشی خدا (یا فراومشی تاثیر خدا) و عدم انجام کار برای خدا (یا همین عدم اسلام خواهی) است. به هرحال راهیان نور بهترین تاثیری که می تواند داشته باشد نیز همین است. حالا کمی به زندگی خودمان نگاه کنیم، ببینیم که چقدربه شهدا نزدیکیم. شهدا در دوره و زمانه ای مثل ما زندگی کردند (شاید هم دوره ای بدتر از دوره ی ما، لاقبل به لحاظ اقتصادی) اما پای ادعایشان نسبت به امام حسین (ع) ایستادند. اگر به زندگی روزمره خودمان نگاه کنیم، همه چیز روشن می شود. می خواهیم خداباوری و زندگی اسلامی را به زندگی خودمان وارد کنیم. خیلی هم در ابتدای کار می خواهیم ساده شروع کنیم. بیابید دقت کنیم و منصفانه ببندیشیم. چقدر در طول شبانه روز به یاد خدا می افتیم؟ چقدر از کارهای روزمره خودمان را برای خدا انجام می دهیم؟ اگر برای خدا نیست پس آیا برای نفسی است که دشمن ترین دشمن درون ماست؟ درهمین نمازی که روزی ۵ بار می خوانیم چه قدر به خدا توجه داریم؟ اصلا چه قدر به اول وقت بودن آن اهمیت می دهیم؟ اگر نماز صحیحان قضا شد چه قدر ناراحت می شویم؟ اگر اینچور نباشد که جزء سبک شمارندگان نماز خواهیم شد (به همین سادگی) . در روز چه قدر حرف های زیادی و به قول بعضی ها چرت و پرت می زنیم؟ چقدر در روز باتوجه قرآن می خوانیم تا نظر خدا را هم بخواهیم؟ وچه قدر دعا می کنیم که نیاز خودمان را به خدا نشان دهیم؟ اصلا چقدر به یاد مرگ می افتیم؟ وقتی یاد مرگ کم شد طبعا برنامه های بلند مدت و دور و درازی برای خودمان می ریزیم که انگار تا اید همین جا هستیم و همین باعث می شود که توبه کردن راهم به تأخیر بیندازیم. اصلا همین به ما نشان داده خواهد شد …

مصطفی منصوری راو-برق ۹۲

آغاز به کار چهارمین جشنواره فرهنگی و هنری تلنگر

محورهای جشنواره:

- مؤلفه های جامعه و حکومت اسلامی
- جایگاه جمهوری اسلامی ایران در تمدن سازی نوین اسلامی
- نقش وحدت مسلمانان در تمدن سازی نوین اسلامی
- نقش و جایگاه رهبری امت اسلامی در ساخت و هدایت تمدن اسلامی
- نقش دانشگاه، حوزه و مسجد در ساخت و هدایت تمدن اسلامی
- موانع و راهکارهای نیل به تمدن سازی نوین اسلامی

جهت دسترسی به آیین نامه های بخش های مختلف و کسب اطلاعات بیشتر به سایت زیر مراجعه نمایید:

www.talangorfestival.ir

ارتباط صنعت و دانشگاه با توجه به میزان تاثیرگذاری آن در فرایند توسعه دانش محور و پایدار در طول تاریخ مورد توجه عموم صاحب نظران خصوصا سیاست گذاران قرار گرفته و بدین جهت بحث های متعددی پیرامون ابعاد این ارتباط مطرح شده است.

شاید بتوان گفت که یکی از زیباترین همین بحث ها را میتوان در دیدار شرکت کنندگان در همایش ملی نخبگان با رهبر فرزانه انقلاب یافت. جایی که آن پیر فرزانه چشم امیدش به ما جوانان این مرز و بوم است «امثال ما چشممان به شماها است که ان شاء الله... خدای متعال به شما توفیق بدهد که بتوانید این کشورتان را، این خانهدی پرافتخارتان را با نیروی فکر و عزم و اراده خودتان آنچنان بسازید که شایستهی این میهن و شایستهی این تاریخ است»

اما از آنجایی که تمام تلاش دولتمردان ما برگزاری همایش در این راستا شده است (البته گاهی هم دیده شده که پژوهشگاه های فعال مارا هم تعطیل کرده اند و فقط به برگزاری همایش بسنده نکرده اند!) این بار تصمیم بر این گرفتیم تا خودمان در این عرصه تلاش کنیم تا بتوانیم آینده روشنی را برای آینده این کشور رقم بزنیم.

لذا کسانی که تمایل به انجام پروژه های نظامی در قالب پروژه دوره و یا کسر خدمت دارند رزومه خود را به آدرس زیر ارسال کنند

Basfum.elmi@chmail.ir

امیدواریم بتوانیم عقب ماندگی هایمان را در این عرصه جبران کنیم و بتوانیم به جایگاه مورد نظرمان برسیم. ان شاء الله...



شنبه ۱۶ اسفند ماه



یکشنبه ۱۷ اسفند ماه



دوشنبه ۱۸ اسفند ماه



سه شنبه ۱۹ اسفند ماه

چهارشنبه ۲۰ اسفند ماه



اختتامیه نفرین



بسیج دانشجویی برگزار می کند

برنامه اکران فیلم های

پنجمین جشنواره مردمی فیلم عمار

هر روز ساعت ۱۲:۳۰

سالن اجتماعات دانشکده مهندسی